

مجرمان حرفه‌ای در پرتو یافته‌های جرم شناختی و سیاست کیفری ایران

تاریخ دریافت: ۹۲/۴/۳۰

تاریخ پذیرش: ۹۲/۶/۲۵

از صفحه ۱۱۳ تا ۱۴۴

محمدعلی حاجی ده آبادی^۱، مریم السادات تقی زاده^۲، سعید عطارزاده^۳

چکیده

امروزه مجرمان حرفه‌ای در سلامت کامل روحی - روانی، با اعتماد به نفس بالا و بدون کوچک‌ترین احساس گناهی، با انجام ماهرانه و زیرکانه، شغل مجرمانه خود را در عرصه تبهکاری ادامه می‌دهند و چالش‌ها و بحران‌های فراوانی را پیش روی نظام‌های عدالت کیفری قرار داده‌اند. از این، رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخ به این سؤال اساسی است که مجرمان حرفه‌ای چه کسانی هستند و ویژگی‌ها، علل و عوامل حرفه‌ای شدن آنها از منظر رهیافت‌ها و رویکرد جرم شناختی چیست و سیاست کیفری ایران در عرصه قانون گذاری و در حوزه اجرایی درقبال این مجرمان از چه راهبردها و روش‌هایی بهره می‌جوید؟ هدف این تحقیق کمک و مساعدت به مجریان دستگاه عدالت کیفری در خصوص شناخت بهتر و تفکیک مجرمان حرفه‌ای از غیر حرفه‌ای در پرتو یافته‌های جرم شناختی و همچنین نقد و بررسی، اصلاح و بازبینی سیاست کیفری ایران در مسیر مقابله با چنین افرادی است. این تحقیق از لحاظ روش جمع آوری اسنادی است که از کتاب‌ها، پایان‌نامه‌ها، رساله‌ها و مقالات استفاده شده است و از لحاظ تجزیه و تحلیل توصیفی-تحلیلی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که در پرتو رهیافت‌های حاصل از نظریه‌های جرم شناختی، مجرمان حرفه‌ای با آگاهی از استعدادها و توانایی‌های خویش و با انگیزه بالا با کسب منافع مادی، جرایم خاص را عمدتاً در حوزه بزه‌های اقتصادی و مالی که متناسب با توانایی‌های ذهنی، جسمی و شخصیتی خود می‌باشد انتخاب و مرتکب آن می‌شوند. نظام کیفری ایران نیز چه در حوزه تقنینی و چه در حوزه اقدامات پلیسی در راستای مبارزه با مجرمان حرفه‌ای، به دلیل وجود نواقصی در ساختار پلیس کشور و قوانین مربوطه، عدم تفکیک پلیس قضایی و اداری و البته توانایی علمی، فنی و شخصیتی مجرمان حرفه‌ای در ارتکاب ماهرانه جرایم در مسیر این مبارزه با مشکلات فراوانی روبه‌رو است.

کلیدواژه‌ها

مجرم حرفه‌ای، حرفه مجرمانه، تخصصی عمل کردن، تشدید مجازات، واپایش مجرمان، جرم شناختی، سیاست کیفری

۱- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم (نویسنده مسؤل: dr_hajidehabadi@yahoo.com)

۲- کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه قم

۳- دانشجوی دکتری حقوق و جزا و جرم‌شناسی دانشگاه تهران

مقدمه

نرخ بالای جرم همواره حاکی از وجود جمعیت زیاد بزهکاران نیست، بلکه پژوهش‌های بسیاری مسئولیت ارتکاب بخش عظیمی از جرایم را بر عهده تعداد اندکی از مجرمان، تحت عنوان «مجرمان مصر»^۱ نهاده‌اند. گروهی از این بزهکاران که دارای مشی مجرمانه بوده‌اند و به رفتار مجرمانه خود به گونه‌ای می‌نگرند که دیگران به شغل قانونی خود می‌اندیشند، (غلامی، ۱۳۸۲ (الف): ۲۸۷) تحت عنوان «مجرمان حرفه‌ای» شناخته می‌شوند؛ مجرمان حرفه‌ای که از نظر تعداد نسبتاً اندک هستند، در عین حال، مرتکب جرایمی می‌شوند که خسارات بزرگ و آسیب‌های اجتماعی مهمی را به جامعه وارد می‌کنند. از آنجا که این مجرمان، اعم از اینکه به صورت انفرادی به حرفه مجرمانه خود بپردازند یا در قالب سازمان و تشکیلات اقدام به ارتکاب اعمال مجرمانه خویش کنند (مجرمان جرایم سازمان‌یافته و یقه‌سفید)، از یک سو دارای ظرفیت جنایی بالا بوده و از سوی دیگر، سازگاری بسیاری با اجتماع دارند، چالش‌برانگیزترین گروه بزهکاران در نظام عدالت کیفری به شمار می‌آیند. به‌طوری‌که دست‌اندرکاران نظام‌های عدالت کیفری هر بار با تمسک به راهکاری ارائه شده از سوی نظریه‌پردازان جرم‌شناسی و به امید مؤثر بودن آن برای خلاصی از چنین معضلی، از مجازات تا اصلاح و درمان، اکنون با بازگشت به اندیشه‌های نخستین خویش مبنی بر طرد و ناتوان‌سازی مجرمان، این بار در بستر سیاست جنایی افتراقی و گزینشی، به مبارزه با این گروه پرخطر پرداخته‌اند. با توجه به ضرورت تفکیک و تمیز مجرمان خطرناک از کم‌خطر در رویکرد مدیریت خطر جرم، که اکنون در دستور کار نظام‌های کیفری دنیا قرار دارد، شناخت گروه پرخطر به منظور ناتوان‌سازی آنها از طریق اتخاذ تدابیر سخت‌گیرانه و طردکننده ضروری است. در این راستا، پرداختن به مجرمان حرفه‌ای به عنوان خطرناک‌ترین گروه بزهکاران کمک بسیاری می‌کند. در این میان، نظام کیفری ایران نیز با به‌کارگیری ادبیات مدیریت و نگاه هزینه-فایده به جرم رویکردی نظارتی و واپاشی نسبت به بزهکاری اتخاذ کرده که یادآور عدالت سنجشی یا محاسبه‌محور است که به جای تلاش برای محو کامل جرم از جامعه با ناتوان‌سازی

1. Persistent Offenders

مجرمان حرفه‌ای و خطرناک، هم از طریق اعمال مجازات شدید و هم از طریق واپایش آنها، سعی در کاهش جرم تا سطح قابل تحملی برای جامعه دارد (توئی، ۱۳۸۸: ۳۶). علی‌رغم اینکه واقعیتی اجتماعی چون جرم و بزه، برای تمامی افراد مفهومی شناخته شده و بدیهی به نظر می‌رسد، اما همواره به عنوان مشکلی لاینحل پیش‌روی نظام‌های کیفری دنیا قرار داشته‌است. اگر «بزهکاری» پدیده‌ای روشن و شناخته شده است، چرا هنوز راهکاری مؤثر برای مقابله یا لاقط کاهش چشمگیر نرخ آن به دست نیامده است؟ مگر نه این است که برای مبارزه با هر پدیده‌ای شناخت و بررسی کامل ابعاد آن مقدمه‌ای ضروری است، پس چرا با وجود سال‌ها تلاش در عرصه کشف و تحلیل بزهکاری و علل آن، هنوز شاهد شکست رویکردهایی هستیم که زمانی در بدو پیدایش خود، نویدبخش ریشه‌کنی این معضل اجتماعی از بطن جامعه بوده اند؟ آنچه اکنون در دستور کار نظام‌های کیفری دنیا قرار دارد، مدیریت جرم به عنوان یکی از خطرات و تهدیدهایی است که جامعه با آن مواجه است. آنچه در این رویکرد ضروری است تفکیک و تمیز صحیح مجرمان خطرناک از مجرمان کم‌خطر است تا به تناسب میزان خطر، با اتخاذ تدابیر سختگیرانه و طردکننده گروه پرخطر را ناتوان سازند و گروه کم‌خطر را با اعمال راهکارهای کم‌هزینه‌تر، از حضور مجدد در چرخه عدالت کیفری بازدارند. برای نیل به چنین هدفی شناسایی گروه پرخطر از بسیار ضروری است. در میان گروه پرخطر، افرادی که تحت عنوان «مجرمان حرفه‌ای» محسوب می‌شوند، ذهن بسیاری از جرم‌شناسان و دانشمندان علوم اجتماعی را به خود مشغول داشته‌اند و از بزرگ‌ترین دغدغه‌های پلیس به عنوان بازوی اجرایی تحقق امنیت در جامعه می‌باشند؛ از این رو، پلیس پس از طبقه‌بندی بزهکاران و تفکیک گروه پرخطر و کم‌خطر، با توسل به راهکارهای مختلف سعی در واپایش و ناتوان‌سازی گروه پرخطر و جلوگیری از ورود بزهکاران کم‌خطر به حرفه‌ای‌گری در عرصه بزهکاری دارد.

به نظر می‌رسد باتوجه به رویکرد مدیریتی اتخاذ شده در مسیر مبارزه با بزهکاران حرفه‌ای، ضرورت مقابله مؤثر با این گروه پرخطر، اتخاذ کاراترین راهکارها و رویکردها در این عرصه، همچنین پیشگیری از تبدیل شدن بزهکاران اتفاقی و عادی به مجرمان حرفه‌ای، تعیین نقاط ضعف و نواقص ساختار نظام کیفری ایران (چه در عرصه تقنینی

چه در عرصه اجرایی و پلیسی) و تدابیر اتخاذی این نظام در راه مبارزه با بزهکاری که سهمی مهم در حرفه‌ای شدن بزهکاران ساده دارد، همگی مستلزم درک و شناخت گسترده پدیده مجرمان حرفه‌ای و نیز بررسی دقیق ساختار و عملکرد نظام کیفری ایران در عرصه این مبارزه توان فرسا می باشد.

در مقام پاسخگویی به ضرورت‌های پیشین، نوشتار پیش‌رو به بررسی موضوع مجرمان حرفه‌ای در سایه رهیافت‌های جرم‌شناختی پرداخته و برای استفاده عملی از حاصل پژوهش، سیاست کیفری (تقنینی- اجرایی) ایران را در قبال این گروه بزهکار، مورد بحث و بررسی قرار داده است. لذا با لحاظ ضرورت‌های مطروحه اهدافی را دنبال می کند که از آن جمله می توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- یاری رساندن به مجریان دستگاه عدالت کیفری در زمینه شناخت بهتر و سریع تر این گروه خطرناک از بزهکاران در میان سایر مجرمان از طریق ارائه تبیین و توصیفی جامع از مجرمان حرفه‌ای از منظری متفاوت و در سایه رهیافت‌های جرم‌شناختی و بدون تأکید صرف بر عنصر تکرار جرم در تعریف آنها.

۲- همچنین کمک به دستگاه عدالت کیفری در جهت شناخت و تفکیک بزهکاران حرفه‌ای و غیر حرفه‌ای در راستای اجرای هرچه دقیق تر و بهتر یک سیاست گزینشی کارا در قبال گروه‌های مختلف بزهکاران (اعم از پرخطر و کم خطر) از طریق شرح و تبیین ویژگی‌های مجرمان حرفه‌ای هم در حوزه جرایم ارتكابی و هم در زمینه ویژگی‌های فردی و شخصیتی.

۳- کمک به اصلاح و بازبینی سیاست کیفری ایران در مسیر مقابله با مجرمان حرفه‌ای از طریق نقد و بررسی سیاست کیفری ایران در این موضوع. در راستای تحقق اهداف مطالعه، پژوهشگر به طرح دو سؤال اساسی می پردازد که در دو مبحث این نوشتار سعی در پاسخگویی به آنها را خواهد داشت:

- ۱- ویژگی‌ها مجرمان حرفه‌ای و عوامل حرفه‌ای شدن آنها در بزهکاری از منظر رهیافت‌ها و رویکردهای جرم‌شناختی چیست؟
- ۲- سیاست کیفری ایران در عرصه قانونگذاری و اجرای در قبال مجرمان حرفه‌ای از چه راهبردها و روش‌هایی بهره می جوید؟

پرسش‌های فوق با دو فرضیه ذیل مورد بحث و تحلیل در این مجموعه قرار گرفته‌اند:

پیشینه تحقیق

با جایگزینی رویکرد مجرم‌مداری به‌جای جرم‌مداری از قرن نوزدهم، تمرکز بر بزهکاران با توجه به شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها مورد توجه قرار گرفت. در این میان، جرم‌شناسان با مطالعه گروهی از خطرناک‌ترین بزهکاران تحت عنوان «مجرمان حرفه‌ای» به تعریف و بیان ویژگی‌های آنان پرداخته‌اند. اگرچه اصطلاح «مجرم حرفه‌ای» با کارهای ساترلند در سال ۱۹۳۷ وارد مباحث جرم‌شناسی شد، اما این افراد همواره از گذشته تا به امروز، با اشتغال ماهرانه به حرفه‌ای مجرمانه، زمانی در قالب سارقان، مالخرها و قاتلان حرفه‌ای و زمانی به شکل مجرمان یقه‌سفید و رهبران و اعضای سازمان‌های مجرمانه نظام عدالت کیفری را درگیر کرده‌اند.

در ایران نیز «مجرمان حرفه‌ای» مستقلاً و به طور خاص تاکنون موضوع هیچ پژوهش، پایان‌نامه و کتابی نبوده است. این درحالی است که تحقیق‌های متعددی در زمینه تکرار جرم، بزهکاری به‌عادت و به طور کلی، پایداری در بزهکاری در ایران، چه در قالب مقاله و پایان‌نامه و چه در قالب کتاب انجام یافته است و در آنها و نیز در لابه‌لای کتاب‌های جرم‌شناسی، در مباحث مرتبط، بحث‌های مختصر و ناکافی در موضوع مجرمان حرفه‌ای و حرفه مجرمانه صورت گرفته است. علاوه بر خلاء پژوهشی این موضوع در حوزه علم جرم‌شناسی، عملکرد پلیس و نظام کیفری ایران به طور کلی در قبال این گروه پرخطر نیز تاکنون به طور مستقل موضوع پژوهش محققان قرار نگرفته است.

مبانی نظری تحقیق

ماهیت و ویژگی‌های مجرمان حرفه‌ای: علی‌رغم تأکید بیشتر پژوهش‌های جرم‌شناختی بر نرخ کلی جرم و بزهکاری و عوامل مؤثر در شدت و ضعف آن، ادوین ساترلند نخستین فردی بود که با بررسی سازمان‌یافته پدیده جرم حرفه‌ای در قالب یک تحقیق مفصل، در سال ۱۹۳۷، رویکرد بررسی بزهکاری حرفه‌ای را بنیان نهاد. از این رو، بهترین سند شناخته شده از مجرم حرفه‌ای، ضبط زندگی یک سارق حرفه‌ای

در کتاب ساترلند تحت همین عنوان است؛ زیرا آنچه ما درباره زندگی مجرمان حرفه‌ای می‌دانیم از طریق دفتر وقایع روزانه، دفتر خاطره‌ها و زندگی‌نامه‌هایی است که توسط این افراد نوشته شده است و به دست جرم‌شناسان رسیده است (سیگل^۱، ۲۰۰۷: ۳۷۱).

پیش از ساترلند، در آثار دانشمندان مکتب تحقیقی از جمله انریکو فری (۱۸۵۶-۱۹۲۹)، برای معرفی گروهی از مجرمان خطرناک و فعال در عرصه بزهکاری، مفهوم «بزهکار به عادت»^۲ دیده می‌شود. مفهوم «مجرم به عادت» که به افرادی اطلاق می‌شود که به دلیل وجود تمایل‌های مجرمانه و برخی ویژگی‌های شخصیتی، بدون التزام به ارتکاب جرمی خاص، فقط برای ارضای نیازشان به بزهکاری و بدون برآورد هزینه‌ها و مزایای بزه ارتکابی، به نوعی به ارتکاب جرم و بزهکاری عادت کرده‌اند، از نظر زمانی زودتر از مفهوم «مجرم حرفه‌ای» که افرادی متخصص در ارتکاب جرمی خاص به عنوان شغل هستند، مورد توجه پژوهش‌های جرم‌شناختی قرار گرفته‌اند. علی‌رغم تفاوت این دو گروه در ویژگی‌های شخصیتی و همچنین نوع شیوه ارتکاب جرایم، وجه اشتراک بارز آنها حضور پایدار و فعال در عرصه بزهکاری و ارتکاب درصد بالایی از نرخ جرایم است. این وجه اشتراک در نهایت با کشف مفهوم مجرم مزمن^۳ در نتیجه تلاش‌های ماروین ولفگانگ، رابرت فیگلو و تورستن سلین در مطالعاتی که در سال ۱۹۷۲ انجام دادند، بدین شکل بیان شد که مسئولیت بیش از نیمی از جرایم، بر عهده حدود ۶ درصد از بزهکاران است که دو گروه عمده آنها را مجرمان حرفه‌ای و مجرمان به عادت تشکیل می‌دهند (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۷۱).

مفهوم مجرمان حرفه‌ای: از آنجاکه برای تبیین علمی و دقیق یک مفهوم، ضروری است آن را در دو قالب مجزای لغوی و اصطلاحی بررسی کرد، دو بند آتی مجرمان حرفه‌ای را هم از جهت لغوی و هم از حیث اصطلاحی به بحث می‌گذارد.

مفهوم لغوی: اصطلاح «مجرم حرفه‌ای» ترکیبی است از دو واژه «مجرم» و

1. Siegel

2. Habitual criminal

3. Chronic offender

«حرفه‌ای». شناخت مفهوم «مجرم»^۱ در گرو تعریف «جرم»^۲ است. آنچه در زبان فارسی تحت عنوان واحد «مجرمان حرفه‌ای» وجود دارد، ترجمهٔ دو اصطلاح انگلیسی در متون جرم‌شناسی غربی است. این دو اصطلاح عبارت‌اند از: Career criminals و Professional criminals. این دو اصطلاح در نوشته‌های جرم‌شناسی گاه معادل هم به کار می‌روند؛ اما دیده شده که جرم‌شناسان گاهی Career criminals را معادل «مجرمان به‌عادت» استفاده می‌کنند. آنچه از مجموع بررسی‌ها و مطالعات متون خارجی در دسترس به‌دست می‌آید، حاکی از این است که career criminal پس از واژه «مجرم به‌عادت» و تقریباً معادل مفهوم «مجرم مزمن»، در سال ۱۹۷۲، شکل گرفته است و منظور از آن کسی است که در طول زندگی خود به ارتکاب مشاغل مجرمانهٔ متعدد اشتغال داشته است. به‌کارگیری اصطلاح Career criminals معادل «مجرمان حرفه‌ای» اگرچه در ظاهر امری صحیح به نظر می‌رسد، اما با بررسی دقیق معنای دو واژهٔ career و profession این نتیجه به‌دست می‌آید که career criminals اصطلاحی عام بوده که هم مجرمان به‌عادت را و هم مجرمان حرفه‌ای را دربرمی‌گیرد. Career در لغت به معنی پیشه، یعنی مجموعه شغل‌های یک فرد در طول زندگی، است^۳؛ از این رو، از آنجاکه هم مجرمان حرفه‌ای و هم مجرمان به‌عادت در تمام طول زندگی خود، یا لاقلاً در بخش عظیمی از آن، پیشهٔ مجرمانهٔ خود را حفظ می‌کنند، اطلاق این عنوان بر هر دو صحیح است، با این تفاوت که مجرم حرفه‌ای پیشهٔ مجرمانهٔ خود را به صورت تخصصی دنبال می‌کند، اما مجرم به‌عادت آن را با ارتکاب جرایم متنوع پی می‌گیرد؛ این امر را می‌توان با دقت در معنی لغوی دو اصطلاح درک کرد، بدین صورت که معنای لغوی «مجرم به‌عادت» معنا و مفهوم عادت^۴ به ارتکاب جرم را بدون التزام به ارتکاب جرمی خاص به ذهن متبادر می‌کند، درحالی‌که «مجرم حرفه‌ای» مفهوم حرفه^۵، یعنی انجام نوع خاصی از جرم به عنوان شغل به صورت ماهرانه و تخصصی را متبلور می‌سازد. بدین ترتیب،

1 . Offender

2 . Offence

3 . Longman dictionary of contemporary English

4 . Habit

5 . profession

ملاحظه می‌شود که بهترین اصطلاحی که دقیقاً منطبق با مفهوم «مجرم حرفه‌ای» و تبیین کننده آن است، Professional criminal می‌باشد.

مفهوم اصطلاحی «مجرمان حرفه‌ای»: اصطلاح «مجرم حرفه‌ای» برای افراد مختلف معانی متفاوتی دارد. این معانی بسته به زمینه و بستری که آنها را در آن مطالعه می‌کنند متفاوت است. برخی مجرم حرفه‌ای را بزهکاری معمولی می‌دانند که مدت‌ها بدون آنکه دستگیر و شناخته شود، به ارتکاب جرم ادامه داده تا اینکه تبدیل به یک مجرم حرفه‌ای شده است. برخی نیز برعکس، او را کسی می‌دانند که به اتهام جرمی خاص، به عنوان یک حرفه‌ای، بارها دستگیر شده است. حالت «حرفه‌ای» ممکن است به کسی اطلاق شود که قانون او را چنین می‌داند و نام و روشش در ارتکاب جرم برای نهادهای مجری قانون شناخته شده است. این اصطلاح همچنین نسبت به کسی که سال‌های بسیاری را در زندان سپری کرده و بعد از آزادی، بدون اینکه اصلاح شده باشد، به جرم مورد نظر خود به عنوان شغل بازمی‌گردد، به کار می‌رود.

اما آنچه به طور کلی می‌توان در مجموع تعاریف ارائه شده از مجرم حرفه‌ای مشاهده کرد، عبارت‌اند از عناصری چون کسب و حفظ مهارت‌های مختلف در زمینه ارتکاب جرم، فرار از دستگیری و اتهام و اعمال موفقیت‌آمیز این مهارت‌ها. البته در کنار این معیارها، گاهی نیز عضویت در سازمان‌های مجرمانه حرفه‌ای به عنوان بخشی از معیار شناسایی فرد به عنوان یک مجرم حرفه‌ای در نظر گرفته می‌شود (بال^۱، ۲۰۰۵: ۱۶۵۰).

ساترلند در مطالعه کلاسیک خود از یک سارق حرفه‌ای نشان داد که فعالیت‌های یک بخش کوچکی از افراد در جرایم شدید علیه اموال، عمدتاً برگرگی^۲، رابری^۳، دزدی

1-Boal

2. Burglary

برگرگی عبارت‌اند از ورود به هر ساختمانی به عنوان متجاوز و به عنف به قصد ارتکاب جرم یا ورود به یک ساختمان و سرقت چیزی یا آسیب به کسی که در درون ساختمان است یا تلاش برای انجام چنین اعمالی (واش و پول، ۱۹۹۷: ۲۶).

3. Robbery

کسی محکوم به رابری است که چیزی را بدزدد و بلافاصله قبل از سرقت یا در همان زمان از زور و تهدید علیه هر کسی که هست استفاده کند، به عبارت دیگر رابری به معنای ارتکاب سرقت همراه با آزار و تهدید است. (همان منبع: ۲۰۱).

یا کلاهبرداری، را می‌توان به عنوان یک صنعت یا پیشه با مهارت‌ها، سنت‌ها، قواعد و ارزش‌های خاص خود شناسایی کرد (والش و پول^۱، ۱۹۹۷: ۱۸۷). تصور ساترلند از سارق حرفه‌ای دارای دو بعد اساسی است: اول اینکه سارقان حرفه‌ای در انواع محدودی از جرایم، مداخله می‌کنند. دومین معیار مورد نیاز برای حرفه‌ای شناختن یک دزد، استفاده انحصاری وی از هوش، تعقل و توانایی صحبت کردن است. در این بین چالاکی و زبردستی و نیروی فیزیکی دارای اهمیت کمتری است (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۷۱).

برخی جرم‌شناسان این اصطلاح را برای هر مجرمی که با یک خرده فرهنگ مجرمانه شناسایی می‌شود، معاش اصلی زندگی‌اش را از جرم به دست می‌آورد و یک درجه از مهارت در شغل و حرفه منتخبش دارد، به کار می‌برند (همان منبع: ۳۰۷). در واقع، در میان مجرمان گروهی هستند که جرم بخشی از فرهنگشان است، آنها در کودکی به گونه‌ای پرورش می‌یابند که فعالیت مجرمانه را به عنوان یک شغل دائمی می‌پذیرند (بویل، ۲۰۰۵: ۱۶۵). آنها دارای یک سطحی از تمامیت شخصیتی هستند که در بردارنده تعلق خاطر بالایشان به حرفه مجرمانه آنهاست. این عده بسیار متمایل به حرفه خود هستند و دارای یک حس اخلاقی راجع به شغلشان می‌باشند.

با توجه به نکات ذکر شده، برخی از جرم‌شناسان، آن دسته از معتادان مواد مخدر که برای تأمین اعتیادشان دست به سرقت می‌زنند را حرفه‌ای نمی‌دانند، زیرا آنها فاقد مهارت بوده و بنابراین، در حقیقت این افراد مجرمان فرصت طلب آماتور هستند تا متخصصان حرفه‌ای. با این حال، مجرمان حرفه‌ای که مصرف‌کننده مواد مخدر نیز می‌باشند، ممکن است هنوز تحت الگوی عمومی مجرم حرفه‌ای در نظر گرفته شوند. اگر تنها معیار حرفه‌ای قلمداد شدن یک مجرم این باشد که از جرم به عنوان اولین منبع درآمد استفاده کند، پس بدین ترتیب، بسیاری از مصرف‌کنندگان مواد نیز در طبقه مجرمان حرفه‌ای قرار می‌گیرند (سیگل، ۲۰۰۷: ۲۷۰). البته این حرف خیلی صحیح به نظر نمی‌رسد، زیرا هرچند ممکن است مجرم حرفه‌ای مصرف‌کننده مواد مخدر نیز باشد، اما نمی‌توان مصرف‌کنندگان مواد که برای تأمین اعتیاد دست به

1-walsh and Poole

ارتکاب هر جرمی می‌زنند را حرفه‌ای دانست، زیرا برای اطلاق عنوان حرفه‌ای بر یک مجرم، سه رکن لازم است: ۱- امرار معاش از راه مجرمانه، ۲- داشتن مهارت در ارتکاب جرم و ۳- استعداد عقلی. اگرچه مورد اول در خصوص معتادان صدق می‌کند، اما آنها اصولاً فاقد مهارت کافی می‌باشند، به طوری که این امر در اکثر موارد سبب دستگیری سریع آنها می‌شود، بدین ترتیب، از عنوان مجرم حرفه‌ای خارج می‌شوند.

برخی عنصر «لذت» را نیز به معیارهای تعریف مجرمان حرفه‌ای می‌افزایند. به عقیده استفانی، فعالیت تبهکار حرفه‌ای صرفاً برای تأمین معاش نیست، بلکه شغلی است که از انجام آن لذت می‌برد و با استعدادهای تبهکار سازگاری دارد. اساس تفکر این استاد مبتنی بر تجربه است، زیرا تجربه نشان داده که تبهکار حرفه‌ای جنایتی متناسب با شخصیت خویش برمی‌گزیند و آن را، پیشه خود می‌سازد (کی‌نیا، ۱۳۶۹: ۵۵۴). اما با اندک تأمل می‌توان دریافت که عنصر «لذت»، تقریباً در بسیاری از جرایم ارتكابی از سوی بزهکاران اتفافی و مصرّ یافت می‌شود و ویژگی اختصاصی و وجه تمایز مجرمان حرفه‌ای محسوب نمی‌شود؛ نظریه کنترل در تأیید این سخن را بیان می‌کند که جرم به عنوان یک پدیده عمومی، لذاتی (یا کاهش درد یا تسکینی در بسیاری از تجاوزها، حمله‌ها و قتل‌ها) را برای مرتکبان آن فراهم می‌آورد. این لذت از یک بالارفتن روحیه و سرحال شدن تا کسب منافع مالی، متغیر است. از آنجا که یک مجرم به طور کلی، بر منافع کوتاه مدت تمرکز داشته، خودبین بوده و از واپایش پایینی برخوردار است، به صورت آنی و بدون فکر عمل می‌کند، عواقب طولانی مدت اعمالش را در نظر نمی‌گیرد و به پیامدهای بلند مدت اعمالش نمی‌اندیشد، به احتمال زیاد در فعالیت‌های لذت بخش فوری - از رفتارهای جنسی تا مواد مخدر و حمله و تجاوز - بدون هیچ الگو و دلیلی، شرکت می‌کند (لیونور^۱، ۱۹۹۷: ۳۶). البته هماهنگی شغل فرد با توانایی‌ها و استعدادها و به طور کلی شخصیت وی، نیز خود به تنهایی سبب لذت می‌شود، از این رو، بزهکارانی که دارای توانایی ذهنی بالایی هستند از جمله مجرمان حرفه‌ای، عموماً جرایمی را به عنوان شغل و حرفه برمی‌گزینند که سازگار با ساختار شخصیت و استعدادهایشان

1-Leonore.

باشد. درنهایت، پس از بررسی اقوال و نظرها جرم‌شناسان در موضوع «مجرم حرفه‌ای»، می‌توان چنین تعریفی از آنها ارائه کرد:

«مجرم حرفه‌ای کسی است که با یک خرده فرهنگ مجرمانه شناسایی شده باشد و فعالیت مجرمانه، به طور اختصاصی شغل عرفی، دائمی و محل تأمین معاش اوست. چنین فردی در حرفه مجرمانه خود چنان بامهارت و تخصص عمل می‌کند و با تمام فنون و پیچیدگی‌های کار آشناست که امکان دستگیری وی به حداقل می‌رسد.»

ویژگی‌های مجرمان حرفه‌ای

نویسندگان از مطالعه حیات مجرمانه^۱ بزهکاران حرفه‌ای ویژگی‌هایی را به طور کلی بیان کرده‌اند، از جمله برخی معتقدند که مجرمان حرفه‌ای وضعیت و حالتی مبتنی بر مهارت فنی، موقعیت مالی، ارتباطات و پیوندها، قدرت، لباس و پوشش، روش‌ها و سلوک و دانش گسترده در حرفه خود به دست می‌آورند (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۷۱).

به طور کلی، هر یک از وجوه متمایز ذکر شده برای مجرمان حرفه‌ای را می‌توان متوجه یکی از ابعاد شخصیتی، شغلی و حرفه‌ای آنها دانست. برخی از این خصایص مرتبط با جرم ارتكابی به عنوان شغل و حرفه آنها بوده و برخی نیز با جایگاه اجتماعی و شخصیت مجرمان حرفه‌ای ارتباط دارند.

۱- **حرفه‌ای بودن:** مفهوم «حرفه‌ای‌گری» و «حرفه‌ای بودن» را می‌توان برای افراد در هر نوع فعالیتی به کار برد. گاهی فرد در فعالیت‌های مفید و مرسوم به صورت حرفه‌ای عمل می‌کند و گاهی در عرصه جرم و بزهکاری. برای مثال هرگاه از یک جراح حرفه‌ای یا یک مکانیک حرفه‌ای سخن گفته می‌شود، فردی به ذهن می‌آید که به شغل جراحی یا مکانیکی به طور تخصصی و اختصاصی، با مهارت و تسلط کامل اشتغال دارد و از این راه امرار معاش می‌کند. برخی جرم‌شناسان چنین رویکردی را در خصوص فعالیت‌ها و مشاغل مجرمانه نیز اتخاذ کرده‌اند. بنابراین، شاید بتوان همان‌طور که مشاغل مرسوم گوناگون بررسی، ارزیابی و آسیب شناسی می‌شوند،

1. Criminal Career
2. professionalism

برخی مشاغل مجرمانه را نیز ارزیابی و آسیب شناسی کرد. همچنین به همان ترتیبی که با رده‌بندی شاغلان برخی مشاغل، عده‌ای حرفه‌ای و عده‌ای غیرحرفه‌ای نامیده می‌شوند، در عرصه جرم و بزهکاری نیز برخی را مجرم حرفه‌ای و برخی دیگر را غیرحرفه‌ای بنامیم.

در مشاغل مرسوم و قانونی، فرد حرفه‌ای کسی است که این فعالیت، شغل عرفی و محل تأمین معاش او باشد، در حرفه خود با مهارت و به طور تخصصی و اختصاصی عمل کند و به فنون و پیچیدگی‌های کار نیز آشنا باشد. در خصوص فعالیت‌های مجرمانه نیز فردی حرفه‌ای تلقی می‌شود که اولاً این جرم را به عنوان شغل و حرفه خود برگزیند، به طوری که گذران زندگی او از این راه باشد، به علاوه، در این حرفه خاص چنان با مهارت و تخصص عمل کند و با تمام فنون و پیچیدگی‌های کار آشنا باشد که امکان دستگیری وی به حداقل برسد. این عده برای ارتکاب جرم طرح و نقشه می‌ریزند و جرایم خود را قبل از ارتکاب سازماندهی می‌کنند.

بنابر آنچه بیان شد، می‌توان از عناصر مهمی که در حرفه‌ای شناختن افراد مؤثر است مواردی چون، اتخاذ آن عمل به عنوان شغل و مهارت در انجام عمل مجرمانه^۱ را نام برد، بدون آنکه لزوماً معیار ارتکاب مکرر رفتار مجرمانه (به عنوان وصفی عام که در بسیاری از گروه‌های بزهکار و نه فقط مجرمان حرفه‌ای دیده می‌شود) را لازم بدانیم. از این رو، برای تبیین دقیق و صحیح ویژگی «حرفه‌ای بودن» در مجرمان حرفه‌ای، بررسی و شرح این دو گزینه اساسی در میان تبهکاران حرفه‌ای ضروری است.

الف) اتخاذ جرم به عنوان شغل و حرفه: مجرمان حرفه‌ای بخش مهم و برجسته‌ای از درآمد خود را از جرم به دست می‌آورند. به طوری که می‌توان گفت جرم، شغل و حرفه آنها به حساب می‌آید، درست مشابه آنچه در مورد مشاغل قانونی تصور می‌شود؛ یعنی فعالیت جنایی (اعمال مجرمانه)، فعالیت اصلی آنها بوده و تمام اشتغال‌های اساسی این افراد را دربر می‌گیرد (کی نیا، ۱۳۶۹: ۵۵۴). محققان دیگر از جمله ساترلند و کان ول نیز با مطالعه سارقان حرفه‌ای، سرقت حرفه‌ای را به عنوان یک شغل با سازمان درونی مشابه مشاغل قانونی از جمله مشاغل تبلیغاتی، آموزشی

1. Skill

یا کار پلیسی و... به حساب می‌آورند (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۷۱).

از آنجا که مجرم حرفه‌ای سرسپردگی طولانی مدت به جرم به عنوان یک منبع امرار معاش داشته و ارتکاب جرم را حرفه دائمی خود قرار می‌دهد، به زندگی سالم اجتماعی باز نمی‌گردد هر چند با مخاطرات بسیاری در مسیر مجرمانه روبه‌رو باشد؛ به این ترتیب، از فعالیت در امور قانونی روز به روز بیشتر فاصله می‌گیرد. در حقیقت، هر چه حرفه انتخابی وی درآمد بیشتری داشته باشد و اشتغال او در تبهکاری طولانی‌تر باشد، بازگشت او دشوارتر است، از این رو، از آنجا که این مجرمان در پی کسب پول برای گذران یک شیوه خاص زندگی با نام «روش زندگی مبنی بر لذت» بوده و خواهان لذت بردن از یک زندگی خوب، بدون نیاز به کار کردن هستند، لذا درآمدزایی شغل انتخابی، مانعی بزرگ در راه بازگشت آنها به زندگی قانون مدار می‌باشد (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۷۳). این فرآیند را می‌توان توسط نظریه یادگیری عامل تبیین کرد. از منظر اسکینر، پیامدهای یک رفتار، شکل‌دهنده آن رفتار می‌باشند؛ تقویت یا تنبیهی که در پی یک رفتار صورت می‌گیرد موجب افزایش تکرار آن رفتار یا توقف آن می‌شود، تکرار چنین رفتاری بدان معناست که این رفتار یاد گرفته شده است. این تقویت‌ها و تنبیه‌ها گاه اجتماعی بوده و گاه غیراجتماعی. در خصوص مجرمان حرفه‌ای، شاید در آغاز کار تقویت اجتماعی نقشی مهم در جهت استمرار حیات مجرمانه، تلاش برای حرفه‌ای شدن و صعود به مراتب بالای شغل مجرمانه^۱ داشته باشد، اما اگر فرد در شغل انتخابی خود تقویت‌کننده‌های دیگری بیابد، دیگر وجود معاشرت و تقویت اجتماعی ضروری نیست و در واقع، محصول جرم به خودی خود می‌تواند تقویت‌کننده باشد (تقویت ترجیحی) (ویلیامز و مک شین، ۱۳۸۶: ۲۲۵ و ۲۲۶). از این رو، درآمدزایی از جمله عوامل تقویت‌کننده‌ای است که به تنهایی و بدون نیاز به معاشرت‌ها و تقویت‌کننده‌های اجتماعی، مجرمان حرفه‌ای را از بازگشت به زندگی شرافتمندانه بازمی‌دارد.

ب) مهارت در ارتکاب جرم مورد نظر: مجرمان حرفه‌ای با ماهرانه عمل کردن و به‌کارگیری روش‌ها و مهارت‌های پیشرفته‌ای که در حرفه خود می‌آموزند، از دیگر

1 . Criminal Occupation

بزهکاران متمایز می‌شوند. آنها می‌توانند سرنخ‌هایی در محیط کشف کنند که غیر حرفه‌ای‌ها به آن توجه ندارند. در حقیقت، طرح‌ریزی و مهارت علامت و نشان ممیزه مجرم حرفه‌ای است (سیگل، ۲۰۰۷: ۳۷۳). آنها برای پیشرفت در حرفه خود نیازمند تحصیل فنون پیچیده، ارتکاب تعداد بسیاری جرم و درنهایت وابستگی به جرم به عنوان مهم‌ترین یا تنها وسیله ادامه حیات می‌باشند (غلامی، ۱۳۸۲ (ب): ۱۹۷). مجرمان حرفه‌ای بسته به نوع شغل مجرمانه‌شان، به فراگیری و به‌کار گرفتن مهارت‌های خاص آن حرفه می‌پردازند.

مجرمان به موازات افزایش مهارت و تخصصشان، در مراحل شغلی خود پیشرفت می‌کنند. تمایل به صعود در نردبان شغلی، مستلزم طی فرآیندی است که در نهایت بزهکار را تبدیل به یک مجرم حرفه‌ای می‌کند. روند تبدیل شدن به یک حرفه‌ای مانند روندی است که ساترلند در نظریه‌اش درباره معاشرت افتراقی وصف کرده است که فرد خواهان این جایگاه (مجرم حرفه‌ای) باید این پیشه را در کنار یک مجرم ماهر بیاموزد.

اما از دیگر مهارت‌های مورد نیاز مشترک میان تمام بزهکاران، ابداع و نوآوری در کنار توانایی بررسی سریع فرصت‌های ارتکاب، آگاهی از حوادث دنیا و انعطاف‌پذیری است. بسیاری از جرایم نتیجه فرصتند. حرفه‌ای‌ها به دنبال فرصت‌ها به صورت غیرمنتظره و اتفاقی نمی‌باشند، بلکه با برنامه‌ریزی و ابداع، آنها را ایجاد می‌کنند. آنها سازمان‌یافته‌تر و حساب‌شده‌تر عمل می‌کنند. برای هر احتمالی برنامه‌ریزی می‌کنند و فرصت‌ها را به حداکثر می‌رسانند. آنها با ایجاد برخی تغییرات جدید بر روی روش‌های قدیمی می‌توانند سود و منفعت را در موقعیتی که حتی به مردم در این خصوص (یعنی در خصوص روش‌های متفاوت مورد استفاده از سوی مجرمان حرفه‌ای) هشدار داده شده، افزایش دهند. به علاوه، آنها می‌توانند خطرات را قبل از اینکه جرم واقع شود، به حداقل برسانند (بویل، ۲۰۰۵: ۱۶۵۲).

۲- داشتن انگیزه مالی و ارتکاب جرایم مالی: مجرم حرفه‌ای جرایم خود را با مهارت بسیار بالایی برای کسب منفعت مالی انجام می‌دهد و سعی در به حداکثر رساندن فرصت‌های مالی و به حداقل رساندن احتمال دستگیری دارد. سود حاصل از ارتکاب اعمال مجرمانه، به ویژه هنگامی که آن عمل مکرراً و به صورت شغل و حرفه

تکرار شود، به اندازه‌ای زیاد است که انگیزه کافی برای سوق دادن بزهکار به این قبیل رفتارها را ایجاد می‌کند. بنابراین، مجرمان حرفه‌ای بر مبنای نظریه اصالت نفع و سودجویی انسان که محور بحث در مکاتب کلاسیک و نئوکلاسیک بوده است، با انگیزه مالی دست به ارتکاب جرم می‌زنند، به گونه‌ای که حتی اگر ظاهر عمل، حاکی از وجود انگیزه‌های غیرمالی باشد، باز هم در راستای دستیابی به منافع مالی و سود بیشتر بوده است.

بنابراین، این عده غالباً مرتکب جرایم مالی می‌شوند و چنانچه دست به ارتکاب جرایم غیرمالی نیز بزنند، مطمئناً در راستای اهداف مالی و باز کردن مسیر این گونه جرایم است.

۳- مهارت در ارتکاب جرایم غیرخشن و نیرنگ‌آمیز: در نوشته‌های کلاسیک، اصطلاح «مجرم حرفه‌ای» برای اشاره به سارقانی به کار می‌رود که بدون استفاده از زور و خشونت فیزیکی در ارتکاب جرم و تنها با اتکا به هوش و مهارت زندگی می‌کنند.

یکی از بزرگ‌ترین دلایلی که مجرمان حرفه‌ای از به‌کارگیری خشونت در اعمالشان اجتناب می‌کنند این است که مجریان قانون بیشتر بر دستگیری مظنونان به ارتکاب جرایم خشونت‌آمیز متمرکز هستند و یک جرم خشن توجه منابع قانونی را بیشتر به خود جلب می‌کند (بوئل، ۲۰۰۵: ۱۶۵۰). با این وجود، در حال حاضر اعضای سازمان‌های مجرمانه که از مصادیق بارز مجرمان حرفه‌ای امروز به حساب می‌آیند، برای نیل به منافع و اهداف مالی مرتکب هر نوع جرمی اعم از خشن و غیرخشن می‌شوند، به طوری که گاه با استخدام قاتلان حرفه‌ای و همکاری با برخی سازمان‌های تروریستی اهداف مالی خود را دنبال می‌کنند.

از دیگر خصایص بارز جرایم حرفه‌ای نیرنگ‌آمیز بودن و تمرکز اندک بر جرایم خیابانی می‌باشد. معیارهایی که ساترلند برای حرفه‌ای بودن در نظر گرفته است، به شدت به سوی حيله‌گری، فریب و توجه اندک به جرایم معمول خیابانی سوق داده شده است (سیگل، ۲۰۰۷).

از این روست که هوش و استعداد عقلی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجرمان حرفه‌ای محسوب می‌شود، زیرا ارتکاب جرایم نیرنگ‌آمیز و حيله‌گری مستلزم تفکر،

به‌کارگیری هوش و ذهنی خلاق است. به همین دلیل، برخی معتقدند سارقانی که از زور استفاده می‌کنند یا کسانی که مرتکب جرایمی می‌شوند که نیازمند اظهار نظر فنی اندکی است، شایستگی عنوان «حرفه‌ای» را ندارند (همان منبع).

۴- **آشنایی با راهکارهای فرار از عدالت کیفری:** مجرمان حرفه‌ای می‌دانند که چگونه در مقابل نظام عدالت کیفری رفتار کنند تا بتوانند به مدت طولانی، بدون آنکه به زندان بروند به اعمال مجرمانه خود ادامه دهند (غلامی، ۱۳۸۰، ۱۵). مجرمان حرفه‌ای با تکیه بر راهکارهایی از جمله رشد مهارت‌هایی که خطرهای موجود در ارتکاب عمل مجرمانه را کاهش می‌دهند، مانع جلب توجه مأموران قانون، از طریق کاهش فرصت‌های کشف سریع جرم می‌شوند (بویل، ۲۰۰۵: ۱۶۵۱).

از خصیصه‌های مورد نیاز جهت ناشناس ماندن، نمایش ظاهری محافظه‌کار و از دست ندادن واپایش احساسات است. راه دیگر کاهش خطر شناسایی، کاهش شانسی گزارش جرم به پلیس است. مجرمان حرفه‌ای معمولاً با بهره‌گیری از هم‌دستی یا مشارکت قربانی در ارتکاب جرم، افراد ناشناسی در جرم باقی می‌مانند. گاهی نیز با اغوای قربانی بر مبنای بی‌اعتمادی وی به مأموران اجرای قانون، از احتمال گزارش جرم ارتكابی به پلیس می‌کاهند. در برخی از انواع جرایم نیز به دلیل نوع جرم ارتكابی بزه‌دیده بنا به دلایلی از گزارش جرم امتناع می‌کند. به علاوه، مجرمان حرفه‌ای با سوءاستفاده از طمع قربانیان، آنها را در ایراد خسارت به خود تحریک می‌کنند و با ادعای میل و رضایت بزه‌دیده، منکر وقوع هر جرمی شده و خود را تبرئه می‌کنند.

نکته مهم دیگری که یک حرفه‌ای را از شناسایی حفظ می‌کند، مجرمانه عمل کردن است. توانایی کار کردن به تنهایی، سبب افزایش قابلیت فرد می‌شود. هرچه فرد در فعالیت‌های غیرقانونی بیشتر با دیگران معاشرت کند، فرصت بیشتری برای نفوذ اطلاعات به مأموران به وجود می‌آید (همان منبع: ۱۶۵۲).

در نهایت، عامل مؤثر دیگری که برای فرار از چنگ قانون به مجرمان حرفه‌ای کمک می‌کند، ارتباطات نزدیک آنها با طبقات بالای اجتماع، یعنی اعضای صاحب نفوذ در نظام عدالت کیفری است.

۵- **محدود بودن دایره ارتباطی به افراد حرفه‌ای:** مجرمان حرفه‌ای بر خلاف بزهکاران اتفاقی که خود را فاقد هویت مجرمانه می‌دانند، به شخصیت بزهکارانه خود

آگاهی کامل دارند. آنها با شناسایی استعدادها و موقعیت‌های خویش در ارتکاب جرم و آگاهی از اینکه حرفه‌ای هستند، معمولاً با یکدیگر کار می‌کنند و از برقراری ارتباط با دیگر بزهکاران غیر حرفه‌ای و معمولی اجتناب می‌کنند. آنها به دلیل داشتن یک زندگی مجرمانه و اشتراکاتی که در اخلاق، زبان، رفتار و عواطف و احساسات، همراه با ضمانت اجرای مخصوص به خود دارند، از ارتباط با سایر انواع مجرمان و نیز جامعه بزرگ‌تر پرهیز می‌کنند (غلامی، ۱۳۸۰، ۱۶). از این رو، ورود به دنیای حرفه‌ای‌ها دشوار بوده و یک فرد تنها در صورتی می‌تواند یک مجرم حرفه‌ای باشد که از سوی دیگر افراد گروه، حرفه‌ای شناخته شود و تنها در صورت رضایت و موافقت اعضای فعلی می‌تواند به گروه وارد شده و در آن باقی بماند (سیگل، ۲۰۰۷). بدین ترتیب، مجرمان حرفه‌ای با محدود کردن روابطشان به یکدیگر، یک نظام ارزشی جدیدی که غالباً ضد ارزش‌های رایج است، ایجاد می‌کنند و بر اساس این استانداردها در جهت کسب موفقیت و موقعیت گام برمی‌دارند.

در دنیای تبهکاران، مجرمان حرفه‌ای شرف و اعتباری ویژه دارند؛ یک مجرم حرفه‌ای حتی با وجود تهدیدها و خطر مجازات‌های شدید، هرگز شرکای خود را لو نمی‌دهد (همان منبع). آنها به یاری یکدیگر دلگرم بوده، به طوری که در صورت دستگیری یکی از یاران، بقیه برای رهایی او تلاش می‌کنند (کی نیا، ۱۳۶۹: ۵۵۵). همین واقعیت، از جمله دلایلی است که جوانان و نوجوانان را به سوی باندهای تبهکاری می‌کشاند؛ زیرا حمایت‌هایی که آنها از سوی این گروه‌ها دریافت می‌کنند از سوی خانواده و جامعه بهنجار دریافت نمی‌کنند.

۶- دارا بودن خصایص بالینی ویژه: از منظر بالینی و روان‌شناسی خصایصی را می‌توان برای مجرمان حرفه‌ای برشمرد که غالباً در این افراد مشاهده می‌شود، اما باید این نکته را مدنظر قرار داد که در صورت وجود شرایط اساسی بیان شده برای مجرمان حرفه‌ای، فقدان برخی از این ویژگی‌های روان‌شناسانه در بعضی افراد، منافاتی با حرفه‌ای قلمداد شدن آنها ندارد. این خصایص را می‌توان از ابعاد مختلفی بررسی کرد. ابتدا مهم‌ترین خصیصه بالینی در جرم‌شناسی، یعنی وجود حالت خطرناک در بزهکار به بحث گذاشته می‌شود و سپس به دیگر ویژگی‌های شخصیتی این گروه پرداخته می‌شود.

از بهترین مفاهیم تبیین‌کننده انواع مجرمان در جرم‌شناسی، «حالت خطرناک» است. حالت خطرناک مجرمان حرفه‌ای مزمن و دائمی است و این حالت خطرناک با حرفه‌ای شدن بزهکار مشخص می‌شود (دانش، ۱۳۷۴: ۳۲۳). هرچند تمام بزهکاران خطرناک الزاماً حرفه‌ای نیستند اما می‌توان گفت مجرمان حرفه‌ای خطرناک‌ترین اقشار جامعه به حساب می‌آیند، زیرا تقریباً تمامی معیارهای اندازه‌گیری خطر در رویکردهای مختلف جرم‌شناختی، اعم از معیارهای بالینی، نوع جرم، نحوه ارتکاب (ارتکاب ماهرانه و زیرکانه)، شیوه عملکرد (باندی یا گروهی عمل کردن)، ارتکاب متعدد و مکرر جرم و همچنین حرفه قرار دادن عمل مجرمانه و داشتن شغل مجرمانه در این گروه و رفتارهایشان مشاهده می‌شود.

از نظر درجه خطرناکی بالینی مورد نظر مکاتب اثباتی، این مجرمان هم دارای ظرفیت و استعداد جنایی بالا و هم دارای قابلیت انطباق اجتماعی بالایی هستند. به عبارت دیگر، همزمان با اجتماع عوامل جرم‌زا، آنها افرادی سازگار با جامعه نیز هستند، از این رو، بدون آنکه در چنگال عدالت اسیر شوند، مرتکب جرایم زیادی می‌شوند. از منظر جرم‌شناسان، این درجه بالینی صرفاً جهت تبیین خطرناکی بزهکاران یقه‌سفید و رهبران تشکل‌های مجرمانه (مرتکبان جرایم سازمان‌یافته) که نیروی بالقوه مجرمانه آنها تحت پوشش یک شغل آبرومند و یک وضعیت اجتماعی نمونه، پنهان است، به کار می‌رود؛ اما با توجه به اینکه این دو گروه از مجرمان نیز امرار معاششان نه به صورت صددرد و نه در ظاهر، اما در حقیقت، از مسیر مجرمانه است، افرادی باهوش بوده، در ارتکاب جرایمشان مهارت دارند و دارای نفوذ در طبقات بالای اجتماع هستند و به همین دلیل، به راحتی در چنگال عدالت اسیر نمی‌شوند و جزء گروه مجرمان حرفه‌ای به حساب می‌آیند.

از دیگر خصایص بالینی مجرمان حرفه‌ای می‌توان به ویژگی‌های شخصیتی آنها اشاره کرد. مجرمان حرفه‌ای در سلامت کامل روان، بدون توجه به اخلاق و وجدان، جرایم خود را بدون کوچک‌ترین احساس گناهی انجام می‌دهند و فاقد مسئولیت‌پذیری در قبال تعهدهای اجتماعی و اخلاقی هستند. آنها دارای اراده‌ای قوی، مصمم، جسور، باهوش، مغرور و توانمند هستند و با توجه به استعدادشان، حرفه مجرمانه خود را برمی‌گزینند.

علی‌رغم اینکه بسیاری از جرم‌شناسان بر مبنای یافته‌های تجربی معتقد به وجود همبستگی منفی میان هوش و بزهکاری هستند و از منظر ایشان افراد دارای هوش‌بهر پایین به دفعات بیشتری مرتکب جرم می‌شوند، این قاعده در خصوص مجرمان حرفه‌ای صادق نمی‌باشد؛ به عبارتی، می‌توان از جمله خصایص و ویژگی‌هایی که مجرمان حرفه‌ای را از سایر بزهکاران متمایز می‌کند، به توانایی‌های عقلی و فکری ایشان اشاره کرد. مجرمان حرفه‌ای افرادی با هوش و استعداد فراوان هستند، این امر را می‌توان از نحوه انتخاب رفتار مجرمانه و شیوه ارتکاب جرایمشان فهمید.

شاید گسترده‌ترین و بهترین تبیین ویژگی‌های بالینی مرتبط با شخصیت مجرمانه مجرمان حرفه‌ای و به طور کلی مناسب‌ترین نظریه موجود برای شناخت آنها، نظریه‌های عقلانی باشد. این رهیافت را می‌توان در دو رویکرد جرم‌شناسی مشاهده کرد. نخست در نگرش‌های کلاسیک به پدیده جرم و در قالب نظریه‌هایی چون اصالت سودمندی و در اندیشه دانشمندانی چون بکاریا و بنتام؛ همچنین، در رهیافت‌های نوین جرم‌شناسی در اواخر قرن بیستم که به دنبال مباحث عدالت استحقاقی مطرح شدند، می‌توان تعبیرهایی جدید از این نظریه را یافت. وجه اشتراک تمامی این رهیافت‌ها چنین است: «افراد بزهکار می‌شوند، چون چنین انتخاب می‌کنند.» اساس این نظریه‌ها لذت‌باوری و اراده آزاد بشر است و اینکه رفتارهای انسان اصولاً رفتارهایی عقلانی است که حساب سود و زیان را به خوبی در نظر می‌گیرد. بنابراین، افراد همیشه برای رسیدن به اهدافشان شیوه‌هایی را برمی‌گزینند که از نظر فنی کارآمدترین باشد. این تئوری مبتنی بر این عقیده است که مجرم همواره به تحلیل سودها و هزینه‌های بالقوه اعمالش می‌پردازد؛ بدین ترتیب، وی تصمیمی آگاهانه به ارتکاب جرم می‌گیرد و فرض بر این است که هرچه نتیجه عمل تحت بررسی دقیق‌تر و پرفایده‌تر باشد، فرد احتمالاً به ارتکاب آن عمل مستعدتر است.

فرصیه‌های تحقیق

۱- مجرمان حرفه‌ای با فعالیت در نوعی خاص از بزهکاری به صورت ماهرانه و مستمر، به امرارمعاش از این راه می‌پردازند، به عبارتی در شغل مجرمانه‌ای خاص هم‌عرض مشاغل مرسوم و قانونی فعالیت می‌کنند و همین شیوه ارتکاب و تخصص‌گرایی که

ناشی از استعداد بالای آنها و حضور در محیط‌های جرم‌زا است، وجه تمایز این گروه از دیگر گروه‌های بزهکار خطرناک می‌باشد. در تحلیل مجرمان حرفه‌ای و ویژگی‌های آنها رهیافت‌هایی چون نظریه‌های گزینش عقلانی، خرده فرهنگی، معاشرت ترجیحی، یادگیری اجتماعی، کنترل اجتماعی، فشار و ... کارایی بیشتری داشته باشند.

۲- به نظر می‌رسد سیاست کیفری (تقنینی- اجرایی) ایران در برخورد با مجرمان حرفه‌ای کم و بیش از روش‌های سزادهنده و تنبیهی، تحت تأثیر نظریه‌هایی چون گزینش عقلانی و بازدارندگی، بهره جسته است و پاسخ‌های ناتوان‌ساز، خنثی‌کننده و سالب آزادی را در رأس قرار داده است.

روش‌شناسی تحقیق:

باتوجه به نقشی که نوع روش در پژوهش داراست به‌طوری‌که هر شخصی درارتباط باهرمشکلی روش خاصی را انتخاب می‌کند که متناسب باموضوع است. بنابراین با توجه به این امر این تحقیق بارویکرد توصیفی- اسنادی که داده‌های آن از طریق مطالعه مباحث نظری تدوین شده است. لذا برای گردآوری اطلاعات و داده‌های پژوهش درزمینه ادبیات نظری وپیشینه تحقیق ازمتون حقوقی، گزارش‌های علمی، مقالات وکتب داخلی وخارجی و اطلاعات موجود اقدام شد ودر مرحله دوم به منظور پاسخگویی به مسئله اصلی پژوهش علاوه بر مطالعه کتاب‌ها وتحقیقات دیگر پژوهشگران از روش جستجو دراینترنت و ملاقات حضوری باتعدادی از اساتید وخبرگان حوزه حقوق جزا و جرم‌شناسی اقدام شد. بنابراین با توجه به اینکه بخش قابل توجهی از داده‌های مورد نیاز با استفاده از مطالعه کتابخانه‌ای وفیش‌برداری جمع آوری شده است به‌همین علت شیوه‌ی اسنادی^۱، رویکرد غالب پژوهش حاضر می‌باشد.

یافته‌های تحقیق

مجرمان حرفه‌ای در نظام کیفری (تقنینی و پلیسی) ایران

در نظام کیفری ایران چه در عرصه قانونگذاری و چه در عرصه اجرایی (اقدام‌های پلیسی)، به دلیل هزینه‌ها و زیان‌های اقتصادی، امنیتی و... که مجرمان حرفه‌ای برای جامعه به همراه دارند، همواره چگونگی برخورد با این گروه از بزهکاران خطرناک از مهم‌ترین دغدغه‌ها بوده است. در این نظام هم قانونگذار و هم نهادهای اجرایی غالباً با درپیش گرفتن رویکرد سزادهنده چاره را طرد و ناتوان‌سازی این بزهکاران از رهگذر اعمال مجازات‌های شدید یا تدابیر نظارتی و واپاشی پساکیفری می‌دانند. بر این اساس، در این بخش ابتدا به تبیین عناوین ناظر بر مجرمان حرفه‌ای در حوزه تقنینی و پاسخ‌های مقتن در مواجهه با آنها پرداخته می‌شود و سپس اقدام‌های عملی پلیس در قبال مجرمان حرفه‌ای، به عنوان نهادی که مستقیماً با جامعه بزهکاران در ارتباط است بررسی می‌شود.

سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال مجرمان حرفه‌ای

۱- عنوان‌های ناظر به مجرمان حرفه‌ای در نظام کیفری تقنینی ایران: مجرمان حرفه‌ای در سیاست کیفری تقنینی ایران بدون آن‌که مستقلاً به عنوان کسانی که قانون آنها را واجد ویژگی‌های خاصی بشناسد، تحت عنوان کلی مجرمان حرفه‌ای موضوع قانونگذاری‌ها قرار گرفته‌اند، بدین ترتیب که مقتن در برخورد با مجرمان خطرناک به طور کلی، معیار خطرناکی را گاه نوع و ماهیت جرم ارتكابی (نیرنگ‌آمیز یا خشونت‌آمیز) دانسته‌است و گاه شیوه عملکرد (باندی، سازمان‌یافته یا انفرادی) و گاهی ارتکاب مکرر رفتار مجرمانه (به‌ویژه تکرار رفتاری خاص)؛ علاوه بر این، در میان قوانین کیفری بعضی اوقات اصطلاحاتی دیده می‌شوند که برخلاف معیارهای برشمرده که به طور غیرمستقیم با مقوله مجرمان حرفه‌ای ارتباط دارند، مستقیماً این گروه را مخاطب قرار داده‌اند. یکی از این اصطلاحات نخستین بار در سال ۱۳۱۴ در «قانون راجع به وادار کردن محبوسان به کار» به‌کار رفته‌است. ماده یک این قانون «مجرم بالحرفه» را، در کنار مجرم بالطبیعه و مجرم بالعاده، مصداقی از مجرمان خطرناک معرفی می‌کند که در این تقسیم‌بندی متأثر از طبقه‌بندی بنیانگذاران مکتب

تحقیقی، به ویژه انریکو فری بوده است (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۱۶).

ماده ۶۶۲ قانون مجازات اسلامی نیز با استفاده از عبارت «حرفه قرار دادن معامله اموال مسروقه» مفهوم جرم حرفه یا پیشه و اشتغال مجرمانه را مدنظر قرار داده است و به نوعی به وجود مفهوم «مالخر حرفه‌ای» اشاره می‌کند و به عبارتی، اشتغال به فعالیت‌های مجرمانه و بزهکاری حرفه‌ای را به طور خاص، جرم‌انگاری کرده است.

در اینکه آیا شرط تحقق عنصر «حرفه قرار دادن معامله اموال مسروقه» تکرار عمل مجرمانه است یا خیر، نظرات متفاوتی بیان شده است. برخی معتقدند که اثبات این عنصر با قرائن مختلفی امکان‌پذیر است که تکرار عمل مجرمانه یکی از آنهاست؛ اما اگر بتوان با قرائن دیگری مثل خرید اموال مسروقه نه برای استفاده شخصی بلکه برای فروش مجدد یا تهیه وسایل و اماکن لازم برای خرید و فروش اموال مسروقه یا تماس با مجرمان سابقه‌دار اثبات کرد که وی شغل خود را خرید و فروش اموال مسروقه قرار داده است، محکوم کردن او به موجب قسمت اخیر ماده ۶۶۲ بدون اشکال است، هرچند که در همان بار اول دستگیر شود. این امر از ماده ۲ «قانون مجازات عاملان متخلف در امر حمل و نقل کالا مصوب ۶۷/۱/۲۳» نیز قابل استنباط است، زیرا در ماده مذکور حرفه قرار دادن معامله اموال و تکرار این عمل تحت دو عنوان مجزا مورد اشاره قانونگذار قرار گرفته‌اند (میرمحمدصادقی، ۱۳۸۶: ۳۳۲). در مقابل عده‌ای دیگر معتقدند بند دوم ماده ۶۶۲ در واقع، مصداقی از مفهوم حقوقی «جرم به‌عادت» یا «جرم اعتیادی» است و ناظر به بزهکاری حرفه‌ای که مفهومی شبیه تکرار جرم (در مفهوم حقوقی) دارد، نیست (بابایی، ۱۳۹۰: ۱۵۴) به عبارت دیگر، از منظر این عده پیشه قرار دادن عملی مجرمانه با ارتکاب آن در دفعات مکرر محقق می‌شود و در واقع تشکیل‌دهنده رکن مادی جرم به‌عادت است و عادت مرتکب به ارتکاب فعل معین، از تعدد دفعات ارتکاب این فعل احراز می‌شود.

در مجموع، به نظر می‌رسد برای مقابله مؤثرتر با مجرمان حرفه‌ای، بهتر است وصف «حرفه قرار دادن عمل مجرمانه» سببی مستقل و خاص جهت تشدید مجازات بزهکاران در نظر گرفته شود نه معیاری برای تحقق «جرم به‌عادت»، تا برای احراز آن مجبور به اثبات وقوع مکرر جرم نباشیم و بدین ترتیب زمینه خروج عده‌ای از بزهکاران را از دایره تشدید فراهم نکنیم.

جرم دیگری که مقنن با «حرفه قرار دادن» آن مستقلاً برخورد کرده است، انتشار، توزیع و معامله محتویات مستهجن و مبتذل یا تولید، ذخیره یا نگهداری آنها به قصد تجارت یا افساد است که موضوع ماده ۷۴۲ قانون مجازات اسلامی (قانون جرایم رایانه‌ای) است. قانونگذار در تبصره ۳ این ماده حرفه قرار دادن اعمال مذکور را سبب تشدید مجازات دانسته است. در خصوص لزوم تکرار عمل مجرمانه به عنوان شرط تحقق حرفه بودن این جرم نیز همان مباحث مذکور مطرح است که از تکرار آن پرهیز می‌شود.

تا این بخش از نوشتار حاضر نوع نگاه و تعریف قانونگذار از «مجرم حرفه‌ای» به عنوان یکی از خطرناک‌ترین گروه بزهکاران مورد بحث قرار گرفت، اما مبحث دیگر نوع پاسخی است که مقنن در برخورد با مجرمان حرفه‌ای اندیشیده است که در بخش بعدی بررسی می‌شود.

۲- واکنش‌های نظام کیفری تقنینی ایران در مواجهه با مجرمان حرفه‌ای: رویکرد نظام کیفری تقنینی ایران در مواجهه با مجرمان حرفه‌ای رویکردی ارایبی و مجازات کننده با هدف بازدارندگی است که از دو طریق اعمال می‌شود. قانونگذار گاه با تغییر ماهیت مجازات از تعزیری به حدی و گاه با افزایش مجازات تعزیری به تشدید کیفر مجرمان حرفه‌ای می‌پردازد.

تبصره ۳ ماده ۷۴۲ مقرر می‌دارد که اگر مرتکب انتشار، توزیع، معامله و... محتویات مستهجن و مبتذل را حرفه خود قرار دهد یا به طور سازمان‌یافته مرتکب چنین جرایمی شود، چنانچه مفسد فی‌الارض شناخته نشود به حداکثر مجازات محکوم می‌شود. بنابراین از نظر قانون فردی که در این جرایم به صورت حرفه‌ای عمل می‌کند، ممکن است به تشخیص قاضی و در صورت جمع شرایط لازم مفسد فی‌الارض شناخته شده و مشمول مجازات حدی شود. اینکه معیار تشخیص مفسد فی‌الارض چیست و سایر مباحث مربوط در این حوزه بحث مفصلی را می‌طلبد که از حوصله این مجال خارج است.

در خصوص تشدید مجازات تعزیری علاوه بر وجود موارد خاصی چون تبصره ۳ ماده ۷۴۲ و ماده ۶۶۲ که مجازات مرتکبی که به صورت حرفه‌ای عمل کرده است را حداکثر مجازات مقرر دانسته است، می‌توان به رویکردی که قانونگذار در قبال «تکرار

جرم خاص» اتخاذ کرده است اشاره کرد.

بر اساس تعریف ارائه شده از شغل که آن را فعالیتی منظم که در ازای دریافت پول انجام می‌شود، می‌دانند می‌توان به تفاوت مجرمان حرفه‌ای که بخش مهم و برجسته‌ای از درآمد خود را از جرم به‌دست می‌آورند با سایر بزهکارانی که آنها نیز از مسیر مجرمانه روزگار می‌گذرانند، پی برد و آن تخصص مجرمان حرفه‌ای در ارتکاب نوع خاصی از جرایم است. «مفهوم تخصص ناظر به تمایل مرتکب جهت تکرار جرایم مشابه در طول مدت ارتکاب جرم است» (غلامی(الف)، ۱۳۸۲: ۲۹۹). تخصص^۱ که با ارتکاب همان جرم یا مثل آن (جرایمی که مشابه هستند مثل: سرقت، خیانت در امانت، اختلاس)^۲ حاصل می‌شود، در مباحث جرم‌شناسی تحت عنوان «جرم حرفه‌ای یا پیشه‌ای»^۳ یاد می‌شود. (بند ۳ ماده ۲۴ قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴)(غلامی(ب)، ۱۳۸۲: ۱۰۴).

باتوجه به آنچه در اینجا درباره تخصص‌گرایی و اتخاذ جرم به عنوان شغل بیان شد، نهاد «تکرار جرم خاص» را نیز می‌توان به عنوان یکی از جلوه‌های مبارزه با مجرمان حرفه‌ای دانست. زیرا تفاوت بزهکاری که در یک زمینه مرتکب تکرار جرم می‌شود و بزهکار مکرری که مرتکب جرایم متنوع می‌شود در این است که اولی حکایت از نوعی حرفه‌ای شدن در جرم دارد. از آنجا که مجرم تکرارکننده عام در واقع بزهکار مزمن و مجرم تکرارکننده خاص، بزهکار حرفه‌ای است، بنابراین در تکرار جرم خاص، خطرناکی بیشتر از تکرار جرم عام است. به همین دلیل است که جرم‌شناسان برای جلوگیری از تخصصی شدن و در پی آن حرفه‌ای شدن مجرمان، اقدام به تفکیک تکرار جرم عام و خاص می‌کنند(نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۱: ۹۱۹). و بر اساس این تفکیک راهکارهایی برای مبارزه با مجرمان ارائه می‌کنند.

متأسفانه سیاست کیفری تقنینی ایران در حال حاضر، علی‌رغم وجود سابقه تخصص‌گرایی در تکرار جرم در قوانین کیفری گذشته، جز در مورد برخی جرایم

1. Specialization

۲- در باب ارتکاب جرایم مشابه مثل سرقت، کلاهبرداری و ارتشا، مقررات خاصی در قانون مجازات وجود دارد و ارتکاب این قسم جرایم نشانگر هوش مرتکب آنهاست.

3. Professional Crime

تعزیری خاص (مثلاً مواد ۲-۶-۹-۱۶-۱۷ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۶۷ و ماده ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی در موضوع سرقت) و مجازات‌های حدی، صرفاً تکرار جرم را به طور عام در مواد ۴۸ و ۴۸ مکرر قانون مجازات اسلامی در جرایم تعزیری از کیفیات مشدده شناخته است و این‌گونه یکی از ابزارهای حقوق کیفری را در مبارزه با مجرمان حرفه‌ای از کار انداخته است. اما خوشبختانه لایحه قانون مجازات اسلامی نیز که اخیراً به تصویب مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان رسیده است، با پیش‌بینی واکنشی شدیدتر نسبت به تکرار جرم خاص، به نوعی به مقوله مجرمان حرفه‌ای پرداخته و تخصص در ارتکاب جرم را با تشدید بیشتری مواجه ساخته و تحت شرایطی مجرمان متخصص را از بهره‌مندی از کیفیات مخففه محروم کرده است (ماده ۱۳۴-۴، تبصره و ماده ۱۳۴-۵، ماده ۱۳۴-۷ لایحه قانون مجازات اسلامی).

از دیگر واکنش‌های سیاست کیفری تقنینی ایران در قبال بزهکاران حرفه‌ای و خطرناک تصویب ماده ۴۸ مکرر است که به عنوان یکی از نتایج عوام‌گرایی کیفری، در راستای پاسخ به افکار عمومی طالب امنیت و در اجرای طرح ارتقای امنیت اجتماعی و مبارزه با اراذل و اوباش به تصویب مجلس رسیده است. از آنجاکه یکی از ارگان‌های متولی اجرای مفاد این ماده به موجب تبصره یک آن، نیروی انتظامی است، می‌توان این ماده را مبنای حقوقی فرآیند کنترل جرم توسط پلیس دانست که در گفتار بعد مورد بررسی قرار می‌گیرد.

عملکرد پلیس در قبال مجرمان حرفه‌ای

در ادبیات پلیسی مفهوم «مجرم حرفه‌ای» مفهومی شناخته شده است که غالباً به افرادی اطلاق می‌شود که به ارتکاب تخصصی نوع خاصی از جرایم به شیوه‌ای ماهرانه می‌پردازند و ممکن است به علت ارتکاب چنین جرایمی دستگیر شده و دارای سابقه باشند یا بدون دستگیری و شناسایی به ارتکاب اعمال خود ادامه دهند. اما از منظر پلیس مجرمان حرفه‌ای غالباً این‌گونه تعریف می‌شوند: «کسانی هستند که به لحاظ سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی و کیفیت جرم ارتكابی احتمال ارتکاب جرم توسط آنان در آینده متصور بوده و به عبارتی تنبیهات مندرج در قوانین آنها را متنبه نکرده و دوباره در چرخه جرم قرار گرفته و اصلاح‌پذیر نیستند» (دستورالعمل پلیس

تهران بزرگ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۷). رکن اساسی این تعریف که مشابه تعریفی است که ماده ۱ قانون اقدامات تأمینی و تربیتی از مجرمان خطرناک ارائه کرده است، داشتن سابقه کیفری است.

الف) واپایش مجرمان حرفه‌ای توسط پلیس: براساس تعریفی که پلیس از مجرمان حرفه‌ای ارائه کرده است، این ارگان اقدام به نظارت و واپایش سه گروه از مجرمان حرفه‌ای با هدف پیشگیری از وقوع جرم، جلوگیری از تکرار جرم و کشف جرم در صورت وقوع می‌کند: ۱- کسانی که پس از رهایی از زندان نیاز به واپایش پیچیده و فنی دارند. ۲- عده‌ای که در مرخصی از زندان به سر می‌برند، زیرا در این حال تصور پلیس این است که بخشی از مظنونان در حال تحمل حبس هستند، بدین سبب این زمان فرصت مناسبی است برای ارتکاب جرم و گریز زندانیان از دایره مظنونیت پلیس. ۳- گروهی از مجرمان حرفه‌ای که در حین تحمل کیفر حبس هستند توسط اعزام عناصر نفوذی در زندان از سوی پلیس که هدف از انجام آن کشف سایر جرایم ارتكابی شخص مجرم یا به‌دست آوردن اطلاعاتی همچون مشخصات همدستان، ردیابی اموال و... علت این نوع واپایش این است که برخی مجرمان بدون حضور فیزیکی در صحنه جرم هادی عملیات مجرمانه بوده و در حقیقت به عنوان مغز متفکر یک نظام مجرمانه عمل می‌کنند، بنابراین واپایش این‌گونه افراد شرایط و روش‌های خاص خود را می‌طلبند (دست‌والعمل پلیس تهران بزرگ مورخ ۱۳۸۴/۱/۲۷).

از سال ۱۳۸۲ با آغاز به کار مرکز اطلاعات جنایی پلیس آگاهی، واپایش مجرمان با ایجاد «اداره واپایش مجرمان» به صورت عملی کار خود را آغاز کرد. این اداره با تشکیل بانک اطلاعاتی مجرمان سابقه‌دار و با تعامل با سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی که خروج این مجرمان را از زندان اطلاع می‌دهد، امور واپایشی خود را پس از سطح‌بندی مجرمان حرفه‌ای و متناسب با سطح آنان توسط نهادهای مختلف انجام می‌دهد (توئی، ۱۳۸۸: ۲۸).

پلیس مجرمان حرفه‌ای را براساس نمره‌ای که با توجه به معیارهای تعداد سابقه، حالت‌های وقوع، ابزار و آلات به کار گرفته شده در ارتکاب جرم (عادی، به‌عنف با سلاح سرد یا گرم یا بدون سلاح)، کیفیت ارتکاب جرم، بازتاب اجتماعی ارتکاب جرم،

اشتهار و معروفیت مجرم، به‌دست می‌آورند به سه سطح طبقه‌بندی می‌کند و متناسب با سطح مجرم کنترل وی توسط اداره واپایش مجرمان (سطح ۱ که خطرناک‌ترین گروه هستند)، اداره عملیاتی (سطح ۲) و تجسس کلانتری‌ها (سطح ۳) را انجام می‌دهد (توئی، ۱۳۸۸: ۳۴).

ب) راهکارهای پلیس در کنترل مجرمان حرفه‌ای: پلیس در راستای مبارزه با بزهکاری حرفه‌ای بر اساس نوع و سطح مجرمان خطرناک و حرفه‌ای با توسل به سه راهکار ابزاری، درون سازمانی و برون سازمانی، به واپایش مجرمان حرفه‌ای می‌پردازد.

۱- استفاده از ابزارهای فنی در واپایش مجرمان: به دلیل استفاده مجرمان حرفه‌ای از تکنولوژی و پراکندگی آنها در حوزه‌های مختلف و همچنین کمبود نیروی انسانی لازم، نیاز به استفاده پلیس از فناوری‌های نوین برای واپایش مجرمان احساس می‌شود. اساس کار ابزارهای فنی که در این حوزه استفاده می‌شود بر پایه سه سامانه استوار است: ۱- سامانه‌های بیومتریک؛ ۲- سامانه آر. اف. آی. دی؛ ۳- سامانه‌های موقعیت یاب جهانی.

برخی عواملی که امروز در بیومتری استفاده می‌شود عبارت‌اند از: بازشناسی هویت از طریق اثر انگشت، بازشناسی هویت از طریق چشم، بازشناسی هویت از طریق چهره، بازشناسی هویت از طریق DNA، بازشناسی هویت از طریق گفتار، بازشناسی هویت از طریق امضاء، بازشناسی هویت از طریق دمانگار مادون قرمز، بازشناسی هویت از طریق ضربه کلید، بازشناسی هویت از طریق اثر کف دست. این شیوه بیشتر نسبت به مجرمان سطح ۳ (کم‌خطرترین گروه) کاربرد دارد (توئی، ۱۳۸۸: ۴۴).

آر اف آی دی یا شناسایی خودکار با استفاده از فرکانس رادیویی بیشتر در مواردی کاربرد دارد که مجرمان تمایل چندانی به همکاری با پلیس ندارند (مجرمان سطح ۲) و نیازمند حضور در زمان و مکان خاصی نیست. به علاوه در اماکن عمومی و مکان‌هایی که بیشتر آماج جرم قرار گرفته‌اند یا محل دائمی تردد مجرمان حرفه‌ای می‌باشند به کار می‌روند.

با توجه به اینکه در سامانه‌های موقعیت‌یاب جهانی فرد در وضعیتی محدودتر از زندان قرار می‌گیرد و حتی حریم خصوصی فرد را نیز در برمی‌گیرد، این شیوه نسبت به مجرمانی اعمال می‌شود که نیاز به واپایش شدیدتر دارند (مجرمان سطح ۱) (توئی،

(۶۴: ۱۳۸۸).

۲- **تعامل درون‌سازمانی پلیس به منظور واپایش مجرمان:** قسمت‌های مختلف سازمان پلیس (ناجا) برای واپایش مؤثر مجرمان باید روابط خود را با یکدیگر تقویت کنند، زیرا همه دارای هدف مشترک تأمین امنیت هستند. این مهم از طرق زیر امکان‌پذیر است:

- تشکیل واحد تخصصی جهت کنترل مجرمان به نام مرکز اطلاعات جنایی پلیس آگاهی که به طور نظام‌مند به گردآوری اطلاعات لازم در خصوص سوابق مجرمان حرفه‌ای و انجام عملیات واحدهای مختلف آگاهی می‌پردازد. (توئی، ۱۳۸۸: ۸۸).

- شناسایی و اشراف اطلاعاتی و ایجاد بانک اطلاعاتی مربوط به مجرمان سابقه‌دار و یکپارچه‌سازی اطلاعات با تشکیل شبکه سراسری داخلی اینترنت در سطح پلیس آگاهی؛

- تعامل با سایر پلیس‌های تخصصی و معاونت‌های ناجا از جمله پلیس اطلاعات و امنیت، پلیس پیشگیری، پلیس مبارزه با مواد مخدر، پلیس راهور، پلیس آگاهی و...؛

- به‌کارگیری روش‌های اطلاعاتی در واپایش مجرمان از جمله روش‌های مبتنی بر اقدام‌های پنهان و غیرمحسوس به ویژه پس از رهایی از زندان یا حین مرخصی (دستورالعمل پلیس تهران بزرگ مورخ ۱۳۸۵/۵/۲).

۳- **تعامل برون‌سازمانی پلیس به منظور واپایش مجرمان:** از آنجا که مجموعه‌ای از اطلاعات در سازمان‌ها و مؤسسات خارج از ناجا در قالب بانک‌های اطلاعاتی در سامانه‌های رایانه‌ای ذخیره شده‌اند، همکاری با این سازمان‌ها در واپایش مجرمان حرفه‌ای مؤثر است، زیرا پلیس آگاهی با در دست داشتن اطلاعات روزمره مربوط به فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و... از مجرمان حرفه‌ای می‌تواند اشراف اطلاعاتی خود را بر این بزهکاران اعمال کرده و مراقب انحراف احتمالی آنها باشد. برخی از این سازمان‌ها عبارت‌اند از: سامانه اسناد سجلی سازمان ثبت احوال کشور، سامانه افراد زندانی سازمان زندان‌ها، سامانه حساب‌های بانکی مشتریان بانک‌های مختلف کشور، سامانه کدپستی اماکن شرکت پست، سامانه افراد ممنوع معامله سازمان ثبت اسناد و املاک کشور، سامانه اطلاعات مشترکان تلفن ثابت و سیار شرکت مخابرات، سامانه ثبت شرکت‌ها در ادارات ثبت شرکت‌ها و مالکیت صنعتی و... (توئی، ۱۳۸۸: ۹۵).

نتیجه‌گیری

از آنجا که دیدگاه‌های علت‌شناسانه نوین، بزهکاری و حرفه‌ای‌گری در آن را حاصل فرآیندی پیچیده و تحت‌تأثیر علل و اسباب گوناگون در سطوح مختلف فردی و اجتماعی می‌دانند، از این‌رو، تبیین چرایی و چگونگی پدیده مجرمان حرفه‌ای جز در سایه چشم‌اندازهای ترکیبی امکان‌پذیر نخواهد بود. با تحلیل این واقعیت اجتماعی در سایه رهیافت‌های حاصل از نظریه‌های خرده‌فرهنگی، گزینش عقلانی، معاشرت ترجیحی، یادگیری و کنترل اجتماعی و... دریافتیم که «مجرمان حرفه‌ای» با آگاهی از استعدادها و توانایی‌های خویش و با انگیزه بالای کسب منافع مادی، ارتکاب جرایمی خاص را عمدتاً در حوزه بزه‌های اقتصادی و مالی برمی‌گزینند که متناسب با توانایی‌های ذهنی، جسمی و شخصیتی آنها می‌باشد. آنها با به‌کارگیری فناوری روز و شیوه‌های جدید ارتکاب جرایم، به انجام ماهرانه شغل مجرمانه خویش می‌پردازند و در سایه همین مهارت و زیرکی و نیز ارتباط محدود با جامعه غیربزهکار و مجرمان غیرحرفه‌ای، از تیررس دستگاه عدالت کیفری به دور می‌مانند.

چنین درک و شناختی از این گروه بزهکار گویای این است که مقابله با آنها صرفاً از طرق معمولی مبارزه با بزهکاران عادی امکان‌پذیر نمی‌باشد، بلکه این مهم نیازمند چاره‌اندیشی‌های خاص با بهره‌مندی از یافته‌های نوین در عرصه‌های مختلف و به‌کارگیری سیاست‌های افتراقی در مسیر مبارزه با بزهکاری است.

علی‌رغم تلاش‌های نظام کیفری ایران در راستای مبارزه با مجرمان حرفه‌ای در حوزه تقنینی و اجرایی، عملکرد این نظام سازمان‌یافته و منسجم نبوده است؛ بلکه حتی قوانین ماهوی وضع شده نیز عمدتاً به اندازه کافی بازدارنده نمی‌باشد. به نظر می‌رسد در حوزه تقنینی قانونگذار باید وصف «حرفه قرار دادن» ارتکاب رفتاری مجرمانه را مستقل از نهادهای تکرار، تعدد و مفهوم «جرم به‌عادت»، موجب تشدید مجازات در کلیه جرایم یا لاقلاً در جرایمی که بیشتر حوزه فعالیت مجرمان حرفه‌ای است، قرار دهد. در حوزه اجرایی نیز با وجود تلاش‌های بسیار پلیس در جهت مبارزه تخصصی با بزهکاران حرفه‌ای و واپایش آنها، به دلیل وجود نواقصی در ساختار پلیس کشور و قوانین مربوطه، عدم تفکیک پلیس قضایی و اداری و البته توانایی علمی، فنی و شخصیتی مجرمان حرفه‌ای در ارتکاب ماهرانه جرایم مشکل‌هایی در مسیر این مبارزه وجود دارد.

منابع

- ۱- اردبیلی، محمدعلی، (۱۳۸۵)، حقوق جزای عمومی، ج ۱، تهران: نشر میزان.
- ۲- بابایی، محمدعلی (۱۳۹۰)، جرم‌شناسی بالینی. تهران: میزان.
- ۳- پی. ویلیامز، فرانک و دی. مک شین، ماری لین (۱۳۸۶)، نظریه‌های جرم‌شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، تهران: نشر میزان.
- ۴- توئی، تقی، (۱۳۸۸)، راهکارهای پلیس آگاهی در کنترل مجرمان خطرناک و سابقه‌دار، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم انتظامی.
- ۵- دانش، تاج‌زمان، (۱۳۷۴)، مجرم کیست؟ جرم‌شناسی چیست؟ تهران: کیهان.
- ۶- غلامی، حسین (۱۳۸۰)، «بزهکاری به عادت؛ از واکنش کیفری تا پژوهش‌های جرم‌شناختی»، مجله امنیت، سال پنجم، شماره ۲۳، صص ۱۷-۱۰.
- ۷- غلامی، حسین (۱۳۸۲ الف)، «تکرار جرم به عنوان حرفه مجرمانه»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، زمستان ۸۲- دانشگاه تهران شماره ۶۲ صص ۳۱۶-۲۸۵.
- ۸- غلامی، حسین (۱۳۸۲ ب)، تکرار جرم بررسی حقوقی - جرم‌شناختی. تهران: نشر میزان.
- ۹- کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۹)، مبانی جرم‌شناسی. جلد اول. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- ۱۰- معظمی، شهلا (۱۳۷۸)، «پیشگیری از تکرار جرم»، مجله امنیت، سال سوم، شماره ۷ و ۸، صص ۱۲-۷.
- ۱۱- میرمحمدصادقی، حسین (۱۳۸۶)، جرایم علیه اموال و مالکیت، چاپ هفدهم، تهران: میزان.
- ۱۲- نجفی‌ابرنادآبادی، علی حسین (۸۰-۸۱). تقریرات جرم‌شناسی کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی.

- Boal, John, (2005), "**Theft, Professional**", Editor: J.Mitchell.Miller & A.Wright. Richard. Encyclopedia of criminology, vol 3.
- Siegel, J. Larry, (2007), **Criminology**, (9th ed), international student edition.
- M.J.Simon, Leonore, (1997), "**Do criminal offenders specialize in crime types?**", Applied and preventive psychology 6:35-53, Cambridge University Press, Printed in the USA.
- Walsh, Dermot & Poole, Adrian, (1997), **A dictionary of criminology**.

Archive of SID